

# مکانیزم‌های اعتماد عمومی به دولت از نگاه شهید مزاری



محمد یحیی وقار

## درآمد

مقبولیت نیز می‌تواند بهبود پاسخگویی حکومت و دولت را در پی داشته باشد و در نتیجه باعث ارتقای اعتماد عمومی شود. از طرف دیگر، اعتماد عمومی با پشتیبانی آحاد جامعه از پالیسی‌های حکومت، حل مسائل کلان در سطح یک کشور را تسهیل می‌کند؛ زیرا اعتماد عمومی به عنوان یک عامل غیررسمی در پذیرش قوانین، پرداخت مالیات، رعایت رویه‌های رسمی و پشتیبانی مردم از حکومت است که به صورت پنهان و در ضمن الزامات رسمی ایفای نقش می‌کند. صاحب‌نظران سیاسی و مدیریت دولتی علاوه بر مزایای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اعتماد عمومی، بر منافع اقتصادی آن نیز اشاره و تصریح کرده‌اند که اعتماد عمومی یکی از ابزارها و شاخص‌های پیش‌بینی پیشرفت اقتصادی کشورها است. حال باتوجه به این‌که اعتماد عمومی یکی از بحث‌های مهم و اساسی در علوم اجتماعی و به‌ویژه در حوزه سیاست و مدیریت دولتی بوده و است و از طرف دیگر باتوجه به این‌که شهید مزاری

اعتماد عمومی یک مفهوم نسبتاً مهم و کاربردی در حوزه سیاست و مدیریت دولتی است که نشان می‌دهد تا چه اندازه میان مردم و دولت پیوند برقرار است و بیانگر تحقق میزان سطح انتظارات طرفین از همدیگر می‌باشد. به بیان دیگر، اعتماد عمومی ریشه و اساس یک نوع نظم اجتماعی متعامل بین دولت و شهروندان است که الزامات اجتماع و سیاست ایجاد می‌کند بین هر دو طرف وجود داشته باشد؛ زیرا بنا به گواهی تاریخ، عدم اعتماد عمومی به دولت و سازمان‌های دولتی منجر به اضمحلال نظام‌های سیاسی شده است. بر همین اساس، بسیاری از صاحب‌نظران حوزه سیاسی و مدیریت دولتی بین مقبولیت و مشروعیت نظام‌های سیاسی یک نوع تلازم و همبستگی دیده‌اند که به هر اندازه اعتماد عمومی افزایش یابد، مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی و دولت نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افزایش مشروعیت و

به عنوان یک رهبر و کنشگر سیاسی در موضوعات مختلف، نگاه‌های عمیق و خاص خویش را داشته است و در زمانه‌ای که می‌زیست، نسبت خویش را با بسیاری از مسائل و قضایای مهم روشن ساخته است، ایجاب می‌کند تا نگاه و طرح‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری در مورد راهکارها و عوامل گسترش اعتماد عمومی به دولت، بررسی و تحلیل شود. شهید مزاری اگرچه به صورت مستقیم از واژه اعتماد عمومی و در قالب یک ساختار نظام‌مند و رایج در این زمینه سخن نگفته است؛ اما مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان در مورد مشارکت، انتخابات، عدالت، حقوق اقوام و اقشار به‌گونه‌ای است که بیشترین ارتباط را با مفهوم اعتماد عمومی دارد و در واقع طرح‌ها و نگاه‌های ایشان را نسبت به این موضوع بازنتاب می‌دهد. به همین جهت فارغ از هرگونه مباحث مقدماتی دیگر، چند عامل و راهکار مهم که موجب اعتماد عمومی به دولت می‌شود، از نگاه ایشان بررسی می‌گردد.

## عوامل مرتبط با اعتماد عمومی

### ۱. پاسخگویی دولت و اعتماد عمومی

پاسخگویی همه‌جانبه دولت به مردم و جامعه از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب است که به هر میزان افزایش یابد موجب افزایش اعتماد عمومی نسبت به دولت می‌شود؛ زیرا پاسخگویی حکومت نقش تعیین‌کننده بر ارتقای عملکرد دولت و بهبود خدمات دولتی دارد و در نتیجه موجب افزایش رضایت و اعتماد عمومی به دولت می‌شود. از میان عوامل متعددی که زمینه پاسخگویی حکومت‌ها را فراهم می‌کند، می‌توان به نقش تعیین‌کننده انتخابات و نظام انتخاباتی اشاره کرد؛ زیرا فقط در نظام‌های مردم‌سالار و مبتنی بر دموکراسی و متکی به آرای عمومی است که حکومت‌ها و احزاب سیاسی مدعی کسب قدرت، همواره به مردم و آرای‌شان احساس نیاز کرده و خودشان را در برابر مردم پاسخگومی دانند.

شهید مزاری در عصر و زمانه‌ای که بسیاری از احزاب و جریان‌های سیاسی توجه لازم به انتخابات نداشتند و معمولاً حکومت بر اساس شورای حل و عقد و یا تصمیم شورای رهبران جهادی تشکیل و تمدید می‌شد و به مردم و انتخابات واقعی نهاده نمی‌شد، بر انتخابات به عنوان اصلی‌ترین راه حل

قضیه افغانستان و تشکیل حکومت تأکید می‌کرد. از دیدگاه شهید مزاری هیچ‌گاه در افغانستان نظام عادلانه‌ای خالی از تبعیض و ظلم وجود نداشته و پایه‌های تبعیض و بی‌عدالتی در نظام‌های گذشته کشور گذاشته شده و موجب بی‌اعتمادی مردم به دولت و حکومت شده است. به همین خاطر ایشان در آن مقطعی از تاریخ، بر حق رأی مردم و انتخابات عمومی تأکید و اعلام داشت که دیگر دوران نظام‌های استبدادی و تشکیل حکومت مبتنی بر نظر عده‌ای از رهبران احزاب و قومی گذشته است و معتقد بود بعد از چهارده سال جهاد و مقاومت، زمان آن فرا رسیده است تا همه اقشار و مردم افغانستان، نظام دلخواه‌شان را به وجود آورند و بدین ترتیب مشروعیت حکومت تأمین شده و حکومت پاسخگو به وجود آید تا در نتیجه موجب اعتماد عمومی به دولت شود.

### ۲. مشارکت عمومی و اعتماد عمومی

منظور از مشارکت عمومی، میزان آگاهی و تمایل مردم برای دخالت و اثرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی، اداره عامه و تعیین سرنوشت خود و کشور به صورت جمعی است. مشارکت عمومی و اعتماد عمومی دو مفهوم مرتبط با همدیگرند که وجود هر کدام می‌تواند تأثیر مثبت و مستقیم بر دیگری داشته باشد. در جامعه‌ای که مشارکت عمومی بالا است و مردم تمایل به تأثیرگذاری بر پالیسی‌های عامه، اداره عامه و تعیین سرنوشت خود و کشور به صورت جمعی داشته باشند، بیانگر افزایش اعتماد عمومی به دولت است و همچنین بالعکس وجود اعتماد عمومی به دولت، افزایش مشارکت عمومی را به دنبال داشته و خواهد داشت.

شهید مزاری با تأکید بر اصل برادری میان مردم افغانستان، از دشمنی ملیت‌ها به فاجعه تعبیر می‌کرد و افغانستان را خانه مشترکی می‌دانست که همه مردم افغانستان در آن حق و حقوق مساوی داشته باشند. شهید مزاری با اشاره به تشکیل حکومت انتقالی توسط مجاهدین در راولپندی پاکستان که بخش عظیمی از مردم افغانستان در آن نادیده گرفته شده بود، علت ناکامی آن را فقدان مشارکت عمومی می‌دانست؛ زیرا در آن دوره، بخش عظیمی از مردم افغانستان و بسیاری از نیروهای مقیم داخل افغانستان نادیده گرفته شده بود. حکومت‌های

تشکیل شده در تبعید، به همین خاطر هیچ‌گاه نتوانست از پشتیبانی ملت افغانستان برخوردار شود؛ بلکه برعکس به خاطر فقدان مشارکت عمومی و اعتماد عمومی با شکست مواجه شد. از نگاه شهید مزاری مشکل عدم مشارکت به همان اندازه که بستگی به تصمیم حکومت‌ها و دولت‌ها دارد، به عزم افراد یک جامعه نیز بستگی دارد. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایش که در مورد فاجعهٔ افشار ایراد کرده است با اشاره به آیهٔ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» بعد از واکاوی علت ظلم‌ها و ستم‌های تاریخی و نادیده‌گرفتن‌ها در حکومت‌های استبدادی گذشته، به اصل بیداری و مشارکت عمومی یک جامعه در سرنوشت جمعی اشاره می‌کند که چگونه بیداری و مشارکت عمومی می‌تواند باعث تغییرات در وضع جامعه و یک ملت گردد. شهید مزاری در پایان سخنرانی که دربارهٔ فاجعهٔ افشار ایراد کرده است، بر ضرورت حضور مردم و مشارکت عمومی در تغییر سرنوشت‌شان به عنوان تنها راه حل اساسی مسئله افغانستان یاد کرده است.

ضرورت مشارکت عمومی و حضور در صحنه - که مورد تأکید شهید مزاری برای تغییر سرنوشت و ایجاد اعتماد عمومی بین ملت و حکومت بود - نسخهٔ حیات بخشی است که امروز نیز می‌تواند مرهم دردهای مردم و حل قضیهٔ افغانستان باشد. مثلاً در عصر کنونی نیز باتوجه به اقدامات و فعالیت‌هایی که در راستای صلح صورت می‌گیرد، لازم بود مردم افغانستان بیش از هر زمان دیگر در دو انتخابات اخیر پارلمانی و ریاست جمهوری شرکت می‌کردند تا مخالفان نظام سیاسی و هم جامعهٔ جهانی، عزم مردم افغانستان را برای تغییر سرنوشت‌شان مشاهده می‌کردند. در این صورت، قطعاً در اعلام مواضع دشمنان نظام سیاسی افغانستان و تعامل جامعهٔ جهانی با آنان تأثیرگذار بود؛ اما افسوس که مشکلات امنیتی و فقدان اعتماد عمومی به دولت، موجب کاهش مشارکت عمومی در تغییر سرنوشت جمعی گردید و مردم با حضور اندک خویش بر پای صندوق‌های رأی، دشمنان را امیدوار و برخی از کشورها را برای تعامل با دشمنان جمهوریت تشجیع کردند. بر همین اساس، ایدهٔ شهید مزاری در مورد حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان و ضرورت مشارکت عمومی برای اثرگذاری در پالیسی‌های حکومت تا هنوز الهام بخش بوده و از راهکارهای

اساسی برای ایجاد و افزایش اعتماد عمومی محسوب می‌شود. البته در این میان، به‌رغم همهٔ سنگ‌اندازی‌ها و موانع در مسیر انتخابات، حتی همین مشارکت حداقلی و برگزاری انتخابات، یک موفقیت بزرگ برای جمهوریت و نظام سیاسی و مردم افغانستان بود و می‌باشد.

### ۳. عملکرد دولت‌ها و اعتماد عمومی

عملکرد دولت معمولاً طیفی وسیعی از حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، خدماتی، مدیریتی، صحتی، اقتصادی، امنیتی، قضایی، نظامی، فرهنگی و امثال آن را شامل می‌شود و هرکدام می‌تواند بر میزان اعتماد عمومی به دولت تأثیر خاص و عینی داشته باشد؛ اما در مجموع عملکرد در حوزه‌های فوق مانند اجزای سیستم برهمدیگر تأثیرگذار است. بنابراین، اگر حکومت و دولتی می‌خواهد اعتماد مردم و جامعه را جلب کند، لازم است با نگاه سیستمی به حوزه‌های مختلف حکومت‌داری توجه داشته باشد؛ زیرا نگرش تک‌بعدی به حکومت‌داری نمی‌تواند اعتماد عمومی را به صورت کامل جلب کند. در تفکر سیستمی به همان اندازه که نگاه به درون سیستم ضروری به نظر می‌رسد، لازم است به متغیرهای بیرون از سیستم نیز توجه شود. با آن‌که اولویت شهروندان نسبت به خدمات عمومی متفاوت است و این تفاوت بر میزان اعتماد آنان نیز تأثیرگذار است؛ اما ایجاد می‌کند دولت در سطح کلان و حکومت در سطح کوچک‌تر عملکرد خود را در موارد مختلف اولویت‌بندی کرده و بهبود بخشد.

اهمیت عملکرد دولت در مورد شفافیت، مبارزه با فساد، استخدام مبتنی بر شایستگی، توسعهٔ متوازن، آزادی بیان، حقوق زنان، حقوق بشر و... بیش از هر مورد دیگر مورد قضاوت وجدان جمعی اجتماع قرار می‌گیرد و می‌تواند موجبات افزایش و یا کاهش اعتماد عمومی به دولت را فراهم کند؛ زیرا موارد مذکور هرکدام می‌تواند از شرایط لازم اعتماد عمومی به دولت باشد. مثلاً میزان شفافیت، مبارزه با فساد، استخدام مبتنی بر شایستگی و امثال آن چه به صورت واقعی و چه حالت ادراک شده آن می‌تواند بر میزان اعتماد عمومی به دولت تأثیرگذار باشد.

صحبت‌ها و سخنرانی‌های شهید مزاری مملو از مفاهیم ارزشی مانند حقوق ملیت‌ها و اقوام، حقوق بشر، حقوق زنان،

پرهیز از قوم‌گرایی، آزادی بیان، و امثال آن است که خواهان رعایت آن موارد از سوی حکومت و دولت آینده افغانستان بود. به عنوان نمونه در مورد حقوق زنان با اشاره به این نکته که بسیاری از تنظیم‌ها و رهبران جهادی حتی یک‌بار به حق تعیین سرنوشت زنان اعتراف نکرده‌اند، بر رعایت آن توسط طرح حزب وحدت اشاره کرده و بر تأمین حقوق همه اقشار و از جمله زنان تأکید می‌کرد. همچنین ایشان در سخنرانی ۱۳۷۲/۷/۵ در کابل، در مورد رعایت حقوق بشر، این نکته را به صراحت اعلام کرد که اگر کسانی بیایند در مورد حقوق بشر - که یک سلسله ضوابط ارزشی و علمی پذیرفته شده بین‌المللی است - با این استدلال که این چیزها در زمان پیامبر اسلام نبوده و مخالفت کنند، درست نیست؛ زیرا اسلام یک مکتب پویا است و اگر با احکام صریح و نص اسلام مخالف نباشد، اسلام ظرفیت لازم برای پذیرش ایده‌های جدید را دارد. بدین ترتیب از نگاه شهید مزاری عملکرد حکومت آینده افغانستان در صورتی می‌تواند موجب اعتماد عمومی شود که کارنامه و عملکرد دولت در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان، حقوق اقوام، آزادی بیان و امثال آن مثبت باشد.

در اندیشه شهید مزاری عملکرد انحصارگرایانه دولت و حکومت به شدت نکوهش شده است. شهید مزاری در سخنرانی مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۳ در مسجد محمدیه کابل، ضمن تأکید بر وحدت ملی و برادری ملیت‌ها، عملکرد انحصارگرایانه حکومت دوره استاد ربانی را سرزنش کرده و از انحصار سفارت‌خانه‌های افغانستان در اختیار یک قوم - به عنوان نمونه‌ای از انتخاب و انتصاب کارگزاران حکومتی - به عنوان مانع دولت‌سازی و ملت‌سازی یاد کرده است. شهید مزاری در همان سخنرانی، که از حذف قومی و انحصارگرایی سخن گفته است، تصریح کرده است که حق خواستن به معنای دشمنی با جمعیت یا حزب اسلامی و یا پشتون و یا تاجیک نمی‌باشد؛ زیرا به گفته خودش تنها برای مردم هزاره حق نمی‌خواست و هدف از سرزنش برخوردهای انحصارگرایانه حکومت آن دوره، تشکیل یک حکومت با قاعده‌های وسیع و همراه با اعتماد عمومی به دولت و برای دولت‌سازی بود.

خلاصه کلام این‌که نگاه شهید مزاری در مورد عملکرد دولت که چگونه می‌تواند بر افزایش اعتماد عمومی به آن تأثیرگذار باشد، یک بحث تاریخی نیست؛ بلکه ضرورت و نیاز امروز ما نیز است؛ زیرا در شرایط امروزی نیز اگر بناست مسیر صلح درست پیموده شود و حکومت برخاسته از آن با قاعده‌های وسیع و استوار تشکیل شود و یا این‌که حکومت و دولت افغانستان بخواهد عملکرد اقتصادی و سیاسی و قضایی و... مثبت داشته باشد، نمی‌تواند فارغ از جلب اعتماد عمومی باشد و آن هم در صورتی امکان‌پذیر است که در عرصه‌های شفافیت، مبارزه با فساد، استخدام مبتنی بر شایستگی، توسعه متوازن، آزادی بیان، حقوق زنان، حقوق بشر و... امثال آن کارکرد مثبت داشته باشد تا بدین ترتیب موجب اعتماد عمومی گردد.

#### ۴. عدالت و اعتماد عمومی

عدالت مقوله شناخته‌شده در ادبیات سیاسی و مدیریت دولتی است که هر یک از ابعاد آن؛ مانند عدالت توزیعی، عدالت تعاملی، عدالت اطلاعاتی و عدالت احساسی با اعتماد عمومی دولت، رابطه معناداری دارد. در حقیقت همه متغیرهای دخیل در اعتماد عمومی به عدالت برمی‌گردد. مردم فقط به حکومتی اعتماد می‌کنند و آن را وکیل‌شان برای اعمال حاکمیت می‌پندارند که واقعاً عدالت را در عرصه‌های مختلف رعایت کند و یا تصور اجرای عدالت توسط دولت از نظر مردم بالا باشد. عدالت تا آن اندازه از اهمیت اساسی برخوردار است که به گفته امام علی علیه‌السلام «مُلک با کفر باقی خواهد ماند؛ اما با ظلم هرگز»؛ زیرا فاصله حکومت با ظلم و دوری از عدالت باعث سلب اعتماد عمومی و زمینه‌ساز سقوط آن می‌شود. یکی از عوامل پایداری و گسترش حکومت خلفای راشدین در صدر اسلام، رعایت عدالت و برخورد یکسان آنان با جامعه و افراد بوده است. در حکومتی که مردم متوجه تفاوت ظاهری خلیفه از سایرین نمی‌گردید و خلیفه مسلمان از ظلم بر یک زن یهودی ناراحت می‌شد و می‌گفت اگر مسلمانی از این جهت غصه کند و بمیرد، نباید ملامت شود، قطعاً خیلی بیشتر از هر عاملی، باعث انگیزش مردم و موجب اعتماد آنان

به حکومت می‌گردید. در دنیای امروز نیزیکی از عوامل اساسی اعتماد عمومی به حکومت‌های مترقی، اطمینان مردم نسبت به عدالت قضایی، اداری، اقتصادی و... دولت و حکومت بوده و می‌باشد.

مجموعه سخنرانی‌های شهید مزاری در طول چند سال مقاومت ایشان در کابل نشان می‌دهد که محور اقدامات و گفتمان سیاسی ایشان «عدالت اجتماعی» بود. اگر شهید مزاری در سخنرانی‌های خویش تبعیض نژادی را نفی می‌کرد، انحصارگرایی را نکوهش می‌کرد، رسمیت مذهب جعفری را خواستار بود، بر تعدیل واحدهای اداری تأکید می‌کرد، طرح سیستم انتخابات با رأی قابل انتقال را پیشنهاد می‌کرد، خواستار تأمین حقوق زنان بود، همه و همه به خاطر این بود که می‌خواست عدالت با همه ابعاد آن در کشور تحقق یابد تا در نتیجه حکومت افغانستان با برخورداری از سرمایه اعتماد عمومی موجبات رشد و ترقی کشور و وحدت ملی را فراهم سازد.

## جمع‌بندی

۱. باتوجه به اهمیت اعتماد عمومی به دولت - که موجب پیوند ملت و دولت گردیده و از اضمحلال دولت و کشور جلوگیری و مسیر دولت‌سازی را هموار می‌کند - در این یادداشت، بخشی از سخنان و گفتار شهید وحدت ملی، استاد مزاری (به عنوان یک رهبر و کنشگر سیاسی تأثیرگذار در تاریخ افغانستان) در مورد برخی از متغیرهای مرتبط با ایجاد اعتماد عمومی به دولت بررسی شد.

۲. در این بررسی‌ها آشکار شد که به رغم عدم استفاده شهید مزاری از اصطلاح «اعتماد عمومی»، با استفاده از مباحث مطرح شده در سخنرانی‌های شان، چندین راهکار اساسی برای ایجاد اعتماد عمومی به دولت استنباط می‌شود که عبارتند از:

- پاسخگویی دولت در اثر پذیرش اصل انتخابات عمومی بر پایه دموکراسی؛
- افزایش مشارکت عمومی در مورد سرنوشت جمعی در سایه آزادی و احترام به نظر مردم؛

- ارتقای عملکرد دولت در حوزه‌های سیاسی، خدماتی، مدیریتی، صحتی، اقتصادی، امنیتی، قضایی و... با تأکید بر شایسته‌سالاری، حقوق زنان، حقوق بشر و توسعه متوازن و امثال آن؛
- تأمین عدالت با همه ابعاد آن در سایه نفی تبعیض نژادی و انحصارگرایی، تعدیل واحدهای اداری، پذیرش سیستم انتخابات عادلانه، مبارزه با فساد و اصل شفافیت.

۳. مکانیزم‌های مورد اشاره در سخنان شهید وحدت ملی، استاد مزاری برای ایجاد و افزایش اعتماد عمومی به دولت، صرفاً یک بحث تاریخی نیست؛ بلکه ضرورت امروز و فردای کشور برای دولت و ملت‌سازی نیز می‌باشد. بدون شک دولت‌سازی بدون توجه به اصل پاسخگویی، افزایش مشارکت عمومی و بهبود عملکرد اقتصادی، صحتی و... و از همه مهم‌تر بدون توجه به عدالت اجتماعی میسر نیست. همچنین صلحی در افغانستان پایدار خواهد بود که بتواند موجب افزایش اعتماد عمومی به دولت شود و رابطه دولت و ملت را بهبود بخشد. با قاطعیت می‌توان گفت اگر متغیرهای مذکور برای اعتماد عمومی در مکانیزم صلح نادیده گرفته شود، زمینه اعتماد عمومی به دولت برآمده از صلح، فراهم نخواهد شد؛ زیرا با نفی انتخابات و نفی مشارکت عمومی در سرنوشت جمعی و نادیده گرفتن عدالت اجتماعی، چرخه باطل حرکت بر مدار استبداد، تکرار شده، حقوق افراد و اقشار مختلف نقض گردیده و هیچ‌گاه اعتماد عمومی به دولت فراهم نخواهد شد. بنابراین، برای دولت‌سازی و برای تحکیم پایه‌های صلح در کشور لازم است به متغیرها و عوامل مورد اشاره از نگاه شهید مزاری در این مقاله، توجه شود تا موجبات اعتماد عمومی به دولت بیش از پیش فراهم و مسیر دولت‌سازی تسهیل و هموار گردد.

## منابع

۱. احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری.